که اهدنا سوال عصمت وحراست ورا خواستن بحصار امن وسلامت اهدنا یعنی اعصمنا واحرسنا نگاه دار ما را از استغنای شبهات
ودامان آرانه استیلای شهوات وفی النفس الامر اگر مددکاری عصمت باری نباشد قدم راهرو هر دم بلغزد بدبدی بدید آید رهرو راه نفس پس
شبهه دیگر روی نماید پس بی همراهی عصمت الهی که خضر راه سرگردانان ظلمت بشریه است وموصل بعین الحیوة طهارت که سرچشمه
حصول مقاصد وجهان همان تواند بود منیر منیت بیت قطع این مرحله بی همرهی خضر مکن : ظلماتست بترس از خطر گمراهی :
بعضی اهدنا بقدمنا تفسیر کرده اند یعنی پیش بر ما را براه راست وگفته اند چنانکه دوان ما را براه راست که راه از سنت وراه زنان
از حد بیرون ابلیس تیره روز با عوان خود بطریق بدعت میخوانند نفس بد آموز با جنود هوا ببادیه غفلت دعوت میکنند وما
سرگردانان بیابان امل بی معاونت لطف هادی کاملست راه بمقصد نتوانیم یافت وبی مظاهرت مرشد فضل شامل تست بسر منزل
مقصود نتوانیم شتافت بیت راهیست دراز ومنزل دور : تا تو نبری نمیتوان رفت : وامام ترمذی …
میگوید که هدایت بمعنی بیان نیکو نمی آید جهة آنکه راه راست بیان کرده شده است وخلق را بدان خوانده اند بر یهود ونصاری
حق روشنست وصراط مستقیم در کتب ایشان موشح ومبین وحال آنکه ایشان در دین عاصی اند وشبامت غضب ونکایت ضلالت
متقید ومبتلا پس اهدنا بمعنی دیگر حمل باید کرد ودر زاد المسیر از ابن العباس نقل میکند اهدنا ای الهمنا ما را الهام ده بر یافتن صراط
المستقیم وچون شیطان تهدید باغوا ازین راه نموده که لاقعدن لهم صراطک المستقیم پس الهام الهی از جمله موانع
این طریقست تا اگر وسوسه شیطان دام فریب در راه نهد بند بقوت الهام ربانی از قید غرور او برهد وبعضی که هدایت را
بمعنی اصلاح گرفته اند چنین توجیه میکنند که صلح حالنا حال ما را در سلوک این راه بصلاح آر یعنی ما را در جاده طاعات وحسنات
از مباشرت خطیات وسیئات نگاه دار وآنچه صلاح ما در آنست ما را کرامت کن که تو از ما مصلحت داناتری بیت خواجه
بداند صلاح بندگان خویش را : قول دیگر آنست که اهدنا ای علمنا ما را دانا گردان براه راست ونگفته سلوک بران که بی تعلیم مرشد
هدایت وتلقین هادی رشد ودلالت هیچ گمراهی راه نیابد وهیچ گمشده براه باز نیاید نظم گم شده کانیم در این تنگنائی : ره تو
نمائی که توئی رهنمائی : هیچ کس از راه روان هیچ گاه : جز بتو سوی تو نیابند راه : واین اقاویل که مذکور شد باختلاف انظار
علما تفسیر مختلف شده با بعاض هدایت وجزئیات آن وجمع میان همه صحیح است چه هیچ یک از آنها منافی دیگری نیست …
حقایق امام قشیری آورده که معنی اهدنا آنست که زایل گردان از ما ظلمات احوال را تا مستغنی شویم بانوار قدس تو
از رجوع بظلال طلب خود یعنی سایه پندار جد وجهد ما را از میان بردار تا دیده ما بنور آفتاب شهود روشن شده …
بر توی ما هم زتو جوی سبب ورا تو آتش محبت وجذبه شوق بسر می بریم بیت … در کوی تو مشتاقان
شیدا را : خم زلف انقلاب محبت فاکشد ما را : وبدان سبب که هدایه در اصل لغة میل است بعضی محققان بران رفته اند
که معنی اهدنا آنست که میل ده ما را بسوی خود وعنان اقبال ما را بدان صوب منعطف گردان بیت یا رب سوی خویش ره نمائیم
تا با تو بجانب تو آئیم : یکی از کبرا فرموده که حقیقت اهدنا آنست که ما را از ما ببر بصراط خود بپیوند که بی آن انقطاع بدین اتصال

رسنه

رسند وتا از خودی خود نبرند از اوئی او بوئی نبرند حضرت شیخ کبری قدس سره دعا خود میفرموده اند الهی جذبة من جذبات الحق
توازی عمل الثقلین ما را از ما بستان ای درویش رفتن این راه نه بنیروی آن امیسر نشود وسلوک این طریق جز اهل جذبه وجنون را میسر
ومسلم نباشد بیت در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن : شرط اول قدم آنست که مجنون باشی : در کشف الاسرار فرموده یعنی ما را بنمای راه
خود پس بران راه بر روش دار واز روش بکشش رسان سه اصل عظیمست یکی نمایش دوم روش سیم کشش حضرت رسالت صلی
نمایش را فرموده که ارنا الاشیاء کما هی وروش را گفت سیروا سبق المفردون وکشش را بر این وجه باز نموده که جذبة من
جذبات الحق توازی عمل الثقلین مومنان در این آیه ازین هر سه طلب میجویند تا موکل شوند زیرا که نه هر که راه دید راه رفت ونه هر که راه رفت
بمقصد رسید بسکه شنید وندید بسکه دید ونشناخت بسکه شناخت ونیافت ع نی هر که قدم زند بمقصد برسد صاحب العبادة
آورده که سالک باید که اول از حظ ونصیب نفس خود بیرون آید پس با توجه صادق روی بحق آورده وبقدم صدق قطع مسافت
واجب شناسد تا راه کعبه وصال برد بیت با خود منشین که همنشین رهزن تست : وز خویش ببر که دشمن تو تن تست :
هر که قدم همت اول از آستانه هستی بردارد بقدم دوم بر پیشگاه وصال برسد خطوتین وقد وصلت بیت هر که در راه تو اول قدم
از خویش برید : هم باول قدم آنجا که همیخواست رسید : وهمین معنیست آنکه در لطایف قشیریه آمده که اهدنا آنست که سرشته
اسرار ما را بر شمع غیرت از اتصال بروئیت اغیار منقطع گردان وصفحات الواح ارواح ما را بارقام طوالع انوار انس ولوایح
آثار قدس مرقوم ساز ودر عرایس آورده که تو ما را راست گردان وبر راستی دار که مقصود ومقصد ما توئی وهر راستی که بی تو است
روی نه بمقصد توان رسید ونه بوئی از مقصود توان شنید در حقایق سلمی میگوید که اهدنا یعنی ارنا ما را بنمای … که بنده
ما را بنمای راه هدایت خود وتا با تو مستقیم باشیم بر منهج توحید وعبادات وعارفان درخواهند که ما را بنمای راه انس وقربت خود تا
بسته منهج سرور باشیم بنشر ومشاهدت در تفسیر امام جعفر صادق … اهدنا … ارنا آمده … امام میفرماید که هر طایفه … خود در این
میطلبند تا بپایان راه انابت میجویند عارفان طریقة المعرفت می پویند مخلصان از دقایق اخلاص استیجاب می نمایند محبان نعمات
استعلام محبت میسر آید مریدان گویند بنمای ما را راه عبادت تا نفوس بخدمت قلوب بمحبت قایم گردد واولیا گویند بنمای بما راه …
خود تا براه از رهنمای غافل نشویم وهجران ووصال از مرتبه رضای تو دور نیفتیم بیت فراق ووصل تو باشد رضای دوست طلب
که حیف باشد از وجز او تمنائی : جمعی بر آنند که ره نمای را امید عشق که جز بدو … عقل کور راه … محال اندیش از راه
برانگیزد وتا دیده او ظهور نیابد لعبت خیالات مصلحت آمیز ایشان از هم فرو نریزد عشق هادی کاروانست وعقل امام راهروان
هروی رحمة الله فرماید بیت عقل بند رهروانست ای پسر : بند بشکن ره عیانست ای پسر : عقل بند وفریب جان حجاب
راه ازین هر سه نهانست ای پسر : ای امیری کاروان نامی شنید : عشق میر کاروانست ای پسر وصل جمعیت ضمیر اهدنا
برای شمول جمیع طالبانست چون اکثر نکتهای که جهت جمعیت نعبد ونستعین گفته شد اینجا نیز راست می آید توضیح آن
نمودن مناسب مینماید در کشف الحقایق آورده که اهدنا دعاست هر چند دعا عامتر باشد باجابت اقرب باشد والبته اجمعی

Copyright © King Saud University